نگاه

زکیه عاقلی؛ تاریخ‌پژوه

زنان واقف؛ ایرانی نمادهای نیازسنجی و ابتکار

اندیشه‌هایی نوآور و خیراندیش

شاید بهتر باشد که در باب موضوع یادداشت، از این نکته آغاز کرد که حضرت آیت‌الله جوادی آملی از مراجع تقلید حاضر، در متن وقفنامه زمین ارثی خود برای حوزه علمیه آمل، چنین مرقوم کرده‌اند: «مال در اسلام، نماد اقتصاد است و تأثیر آن در حریت یک امت و استقلال یک ملت، به قدری است که [خداوند] سبحان از آن به قیام، ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث یاد کرد (و لا توتوا السفهاء اموالکم التی جعل‌الله لکم قیاما) و فرد یا جامعه فاقد مال را، از آن جهت فقیر می گویند که ستون فقرات آنها شکسته و توان قیام در برابر نظام سلطه و استکبار یا طغوای محروم از تقوی را ندارد...».

ایشان بر این مبنا، وقف را که مزایای اقتصادی فراوانی برای امت اسلام دارد، مقدس شمرده‌اند ولی عظمت آن را، به‌دلیل دیگری یعنی نیت خالص و به قصد نزدیکی به خدا دانسته‌اند؛ «وقف که نموداری از این رهنمود حیات مستمر است، راز تداوم آن تنها این نیست که اصل آن ثابت و در آمد آن سیال است بلکه قصد قربتی که در آن معتبر و اعمال می‌شود و از این منظر در بخش عبادت‌های مالی فقه امامیه قرار دارد، مایه پایداری آن خواهد بود. نهاد وقف همانند به بارآوردن فرزند صالح، سالک و داعی، محبوب و ماناست چنان‌که همسان سنت صحیح و ماندگار است، لذا این امور در کنار هم قرارگرفته‌اند... .»

حال بر این اساس، باید به نیت‌های پاک واقفان به‌ویژه بانوان واقف، برای کمک به نیازمندان و ارتقای سطح علمی مسلمانان و رشد دانش دینی، رفاه عمومی و نیازهای هموطنان‌شان در طول تاریخ ایران‌زمین آفرین گفت. با این همه باید انصاف داد که اگر در تاریخ بیشتر نام زنان درباری به‌عنوان واقف ثبت شده است، قطعا به این معنا نیست که سایر اقشار بانوان، سهمی در سنت حسنه وقف نداشته‌اند، بلکه این موضوع به این دلیل بوده است، که بانوان درباری از تمکن مالی بالاتری نسبت به عموم بانوان هم‌عصر خود برخوردار بوده‌اند و گرنه قدرمسلم بانوان بسیاری بوده‌اند که در اعصار مختلف تاریخ ایران، اموال و املاک خود را (هرچند به میزان کم) وقف برآورده‌شدن نیاز مردم کرده‌اند ولی به‌علت عدم‌ثبت وقفنامه یا عدم‌نگهداری صحیح از وقفنامه‌های ایشان، امروز ردپای آنها در تاریخ کمتر دیده شود. این موضوع در عداد سایر وقایعی است که در تاریخ گذشته ایران، اسناد مکتوب آن کمتر مورد صیانت قرار گرفته است. با این همه با گسترش ارتباطات و رسانه‌ها در دهه‌های اخیر، انبوه اسناد ثبت‌شده از وقفنامه‌های بانوان در سازمان اوقاف، نشان می‌دهد که بانوان بسیاری از اقشار متمکن، متوسط مالی و حتی از اقشاری که تمکن مالی آنچنانی نداشته، با وقف اموال و املاک خود در این عرصه ورود کرده‌اند و همچنان به این اقدام دینی و انسانی، رغبت نشان می‌دهند.

زنان دوره قاجار که پوشش آن دوره را به سر دارند

باید انصاف داد که اگر در تاریخ، بیشتر نام زنان درباری به‌عنوان واقف ثبت شده است، قطعا به این معنا نیست که سایر اقشار بانوان، سهمی در سنت حسنه وقف نداشته‌اند بلکه به این دلیل بوده است که درباریان از تمکن مالی بالاتری نسبت به عموم بانوان هم‌عصر خود برخوردار بوده‌اند وگرنه بانوان بسیاری بوده‌اند که در اعصار مختلف تاریخ ایران، اموال و املاک خود را وقف برآورده‌شدن نیاز مردم کرده‌اند

جالب است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر رشد فراوان وقفیات، شاهد تنوع انواع وقف، با نیات بعضا متفاوت و جالب بانوان واقف نیز بوده‌ایم؛ از ساخت و وقف مجتمع‌های درمانی و آموزشی، تا وقف یک سیم‌کارت و گوشی تلفن همراه برای انجام کارهای فرهنگی در یک بقعه متبرکه! از وقف یک دستگاه بلندگو برای جلسه قرآن زنانه محله تا وقف یک خانه توسط مادر یکی از شهدای دفاع‌مقدس، برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان یک مسجد. از وقف یک منزل در خرمشهر برای حمایت از تحقیقات و پژوهش‌های دانشمندان جوان ایرانی در رشته انرژی هسته‌ای، تا وقف یک خانه در جمکران برای گسترش فرهنگ مهدویت. از وقف ۱۰۰درخت یک باغ برای تامین هزینه ازدواج طلاب در کرمان تا وقف یک مغازه برای گسترش فرهنگ کتابخوانی. این همه نمادی از اندیشه مبتکر و ذوق سرشار زنان فرهیخته کشورمان به شمار می‌رود؛ نیت‌هایی که نشان می‌دهد بعد از انقلاب و تاسیس نظام اسلامی، بانوانی از اقشار گوناگون، با ابتکار و شناسایی مسائل و نیازهای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی اطراف خود [در حد توانایی مالی شخصی]، سعی کرده‌اند علاوه بر بازکردن گره‌ای از مشکلات مردم و کشور، باقیات و صالحاتی از خویش برجای بگذارند و در راستای توسعه این فرهنگ و سنت حسنه، کوشش کنند.

دهه ۴۰ نمایی از مسجد گوهرشاد استان قدس رضوی (ع)

آمیزه‌ای از احساس و نیکوکاری زنانه در ادوار تاریخی

نگاهی به نقش بانوان مسلمان ایرانی در گسترش فرهنگ وقف

گزارش

انوشه میرمرعشی
روزنامه‌نگار

وقف در اسلام، یکی از اقدامات تحسین شده‌ای است که منافع فراوانی برای عموم مردم و جامعه اسلامی به‌دنبال دارد. از قرون اولیه اسلام، مسلمانان زیادی برای برآوردن نیازهای مردم، اموال و املاک خود را وقف می‌کرده‌اند. در ایران هم این سنت حسنه، از همان زمان جاری بوده است. در این میان اما، بانوان واقف زیادی نیز هستند که با نثار مایملک خویش، در پی کمک به نیازمندان بوده‌اند یا با ساخت مسجد، مدرسه و... و وقف مستغلات و منابعی برای آن، موجبات رشد ایمانی مسلمانان را فراهم می‌آورده‌اند. در مقاله پی آمده و به‌گونه‌ای مختصر، اشاره‌ای داشته‌ایم به زنان نیکوکاری که با وقف اموال و املاک خود، اثری در تاریخ دینی ما بر جای گذاشته‌اند.

موقوفات سیده‌النساءالعالمین(س)

«وقف» در لغت، به‌معنای حبس کردن، توقف، ایستادن و منحصر کردن چیزی به کسی است. اما وقف در اصطلاح فقهی، به‌معنای حبس مایملک و جلوگیری از نقل و انتقال آن به دیگری، چه از طریق خرید و فروش و چه از طریق بخشش است تا منافع آن برای تأمین نیازهای مردم مصرف شود.(۱) «وقف» در اسلام، جایگاه بسیاری بالایی دارد و مسلما در طول تاریخ آن، زنان و مردان بسیاری بوده‌اند که با وقف اموال و املاک خود، سود و منافع زیادی به بندگان خدا رسانده‌اند و باعث پیشرفت مادی و معنوی مردم شده‌اند. براساس حدیثی از امام رضا(ع)،ام‌الائمه حضرت زهرای مرضیه(س)، یکی از بانوان پیشگام صدر اسلام در امر وقف بوده‌اند. در این حدیث، شخصی از امام رضا(ع) درباره باغ‌های هفت‌گانه‌ای که از حضرت رسول اعظم(ص) به حضرت زهرا(س) ارث رسید، می‌پرسد و حضرت در جواب سؤال او فرموده‌اند:

«آنها وقف بودند و رسول خدا از محل درآمد آنها، مخارج مهمان‌های خود را تأمین می‌کرد و هنگامی که رحلت کرد، عباس عموی پیامبر درباره آنها با حضرت فاطمه به خصومت پرداخت و حضرت علی(ع) و سایرین شهادت دادند که آنها وقف حضرت فاطمه بوده است و آنها عبارتند از: دلال، عواف، حسنی، صافیه، مال‌ام ابراهیم، مبیت و برقه». (کافی، جلد۷، ص ۴۷و ۴۸)

زنان ایلخانی، از وقف چاه و قنات تا مسجد

یکی از وقفیات مهم در قرون گذشته، حفر چاه، قنات، تأمین آب آشامیدنی و آب کشاورزی مردم در ایران بوده است. جالب است که نخستین سند وقفی در ایران که واقف آن یک خانم بوده نیز، مربوط به بانویی به نام «خدیجه بنت ربیعا» است که نزدیک به هزار سال پیش، در قزوین زندگی می‌کرده و قناتی را وقف کرده است. اما بعد از این سند، عمده سندهای قدیمی وقفی که توسط یک بانو وقف شده است، به زنان دوره ایلخانی به‌ویژه زنان درباری دوره تیموری تعلق دارد. «گوهرشادآغا» همسر شاهرخ تیموری، بانویی شیعه و بسیار معتقد بود. او دستور داده بود که معماران، به عمران حرم مطهر امام هشتم علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) بپردازند. همچنین به دستور او در داخل حرم، دارالحفاظ، دارالسیاره، دارالتوحید و دارالضیافه ساخته شد تا زوار جایی برای غذاخوردن، استراحت کردن و مکانی برای قرآن‌خوانی و پرسش و پاسخ دینی داشته باشند. این بانو همچنین در ابتدای قرن نهم هجری قمری، دستور ساخت مسجدی را در نزدیکی حرم مطهر داد. مسجدی که در سال ۸۲۱ق، ساخت آن به اتمام رسید و بعدها به‌نام واقفش، «مسجد گوهرشاد» نام گرفت. البته گوهرشادآغا به غیراز این مسجد، مسجدی را هم در شهر هرات ساخت و برای آن مسجد هم مانند مسجد گوهرشاد، مستغلاتی را وقف کرد. اما نکته جالب این است که ظاهرا در سلسله تیموری، ساخت و وقف مستغلات توسط بانوان این خاندان مرسوم بوده است. زیرا همسر تیمور گورکانی نیز در سال ۸۰۱ق ، مسجدی بزرگ و زیبا در شهر سمرقند ساخته بود و مستغلاتی هم برایش درنظر گرفته بود. این مسجد به نام «بی‌بی‌خانم» مشهور است.(۲)

زنان واقف در دوره صفویه

وقف در ایران پس از اسلام، به‌ویژه در دوران آل بویه، سلجوقیان و ایلخانان رشد یافت اما در دوره صفویه به اوج رسید. در این دوره علاوه بر مردان، زنان هم در امور عام‌المنفعه مشارکتی فعال داشته و در ساخت مدارس، مساجد و تعمیر امامزادگان و بقاع متبرکه، نقش پررنگی داشتند. به‌طوریکه قدیمی‌ترین سند وقفی آستان قدس رضوی(ع)، نشان می‌دهد که بانویی به نام «بیگم آغاخانم ذوالفقار» در سال ۹۹۷ه.ق [در زمان پادشاهی شاه‌طهماست اول]، تمامی موضع قریه سلیمان‌آباد قزوین را، برای آبادانی حرم امام‌رضا(ع) و توسعه حرم و رفاه زائران حضرت وقف کرده است.(۳) یکی از مهم‌ترین زنان واقف عصر صفوی، زینب بیگم بود. او چهارمین دختر شاه‌طهماسب اول صفوی و عمه شاه عباس اول، مقتدرترین زن خاندان دربار او بود. این بانو بناها، راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها و شفاخانه‌های متعددی از خود به جای گذاشت و در آن زمان، نزدیک به صد هزار تومان در این راه خرج کرد! از آن جمله کاروانسرایی در راه قزوین به ساوه ساخت که به کاروانسرای بیگم معروف بود. علاوه بر آن حمام سه‌سوق در اصفهان نیز، توسط این بانو وقف شده بود. همچنین ایشان زمین‌های زیادی را، برای مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در شهرری وقف کرد. در مرحله بعد چهارمین دختر شاه عباس اول صفوی به نام «حوابیگم» همچون عمه‌اش، از بانوان واقف و نیکوکار بود. او همسر میرزارضی شهرستانی معروف به منشی‌الممالک بود و بیشتر کارهای خیر و عمرانی خود را، در شهر اصفهان دنبال می کرد. او یک مدرسه و مسجد در این شهر ساخت که متأسفانه هم‌اکنون از آنها، جز یک سنگ سقاخانه، اثری بر جای نمانده است. البته وی برای رفاه مردم، علاوه بر ساخت حمام، یک تیمچه هم ساخته بود که این دو اثر هم هم‌اکنون تخریب شده است.

اما بانوی بعدی نیکوکار صفوی، «مریم بیگم» دختر شاه صفی جانشین شاه عباس اول بوده است. از اقدامات خیریه وی، می‌توان به تأسیس مدرسه مریم بیگم در مجاورت چهارراه نقاشی شهرستان خوانسار استان اصفهان اشاره کرد. این مدرسه بعدها به مدرسه راهنمایی حاتم بیگ مبدل شد و هم‌اکنون در اختیار مرکز تحقیقات معلمان آموزش و پرورش قرار دارد. مسجد مریم بیگم هم در دروازه دولت کوچه مقابل مسجد باب‌الرحمه، از دیگر موقوفات این بانوی نیکوکار است. وی همچنین موقوفات بسیاری برای آبادانی شهر و رفاه طلاب حوزه‌های علمیه معین کرد.(۴) همچنین «دلارام خانم» مادربزرگ شاه عباس دوم(۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) هم، از زنان واقف این سلسله به‌شمار می‌رود. او مدرسه جده کوچک و جده بزرگ را تأسیس و موقوفاتی نیز برای آن قرار داد. مدرسه جده بزرگ در بازار اصلی اصفهان واقع بود و نهر آبی از وسط آن می‌گذشت و اطراف صحن آن، کاشی‌کاری شده بود. همچنین بنای اطراف آن، در دو طبقه و با حجره‌هایی مخصوص طلبه‌ها ساخته شده بود.(۵)

بانو فخرالدوله (اشرف‌الملوک)، فرزند مظفرالدین شاه قاجار

فخرالدوله بعد از آشفتگی وضع ایران در دوره جنگ جهانی اول و در بحبوحه اقدامات رضاخان، در حدود ۷۸ دختر و پسر یتیم را تحت پوشش قرار داد و به همراه جمعی از زنان خیر، دارالایتامی تاسیس کرد که بعدها، بنگاه خیریه بانوان نیکوکار نامیده شد. چند تن از بانوان منتسب به خاندان قاجار و دخترش معصومه، او را در اداره این بنگاه خیریه و نگهداری و تربیت کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست یاری می‌کردند

از وقف کتاب، تا ساخت دارالایتام

زنان درباری دوره قاجار نیز به‌دلیل تمکن مالی و البته برخورداری از روحیه دینی، موقوفات زیادی از خود به یادگار نهاده‌اند. فاطمه خانم معروف به «انیس‌الدوله»، یکی از همسران ناصرالدین شاه قاجار بود. این بانو بسیار خیرخواه بود و با اینکه خداوند به او فرزندی عطا نکرد، اما به‌دلیل عقل، درایت و هوشمندی‌اش، مورد توجه ناصرالدین شاه بود. به همین علت هم مواجب زیادی برایش مقرر شده بود که انیس‌الدوله بیشتر این مقرری و ملک و املاک را، به کارهای خیر و عامه‌المنفعه اختصاص می‌داد. مانند وقف چندین باب مغازه در بازار تهران به نفع فقرا، وقف ۱۰ باب مغازه در مشهد برای روضه خوانی در حرم امام رضا(ع)، ساخت ضریح نقره برای شهدای کربلا، تعمیر در نقره و طلاکوب مسجد گوهرشاد و از این قبیل. البته به همه این موارد، باید ساخت بقعه و گنبد برای امامزاده شاهزاده حسین در روستای امامه کاشانک و چاپ و توزیع رایگان مجلد مربوط به زندگانی حضرت زهرای مرضیه(س) از کتاب ناسخ‌التواریخ را، در مساجد و بقاع متبرکه هم اضافه کرد.(۶) یکی دیگر از بانوان واقف دوره قاجار، خانم جمیله ذوالفقاری نظام‌الدوله بود. این بانو در اواسط دوره قاجار، در زنجان به دنیا آمد. پدرش حسین قلی‌خان، از متنفذان شهر بود. این بانو از محل ارث و مستغلات خود، تصمیم به ساخت مسجد و مدرسه‌ای گرفت که البته قبل از اتمام این دو بنا، وفات یافت. او قبل از فوت دخترش قمرتاج را، به‌عنوان متولی این دو بنا تعیین کرد و دخترش هم با وسواس زیاد، وصیت مادر را انجام داد. هم‌اکنون مدرسه و مسجد «خانم» در شهر زنجان، از آثار دیدنی و بسیار زیبا محسوب می‌شود.(۷)

اما یکی از مشهورترین زنان واقف دوره قاجار، اشرف‌الملوک مشهور به «فخرالدوله» از دختران مظفرالدین شاه قاجار بود. مادرش سرورالسلطنه نام داشت. او ابتدا نامزد پسر خاله خود دکتر محمد مصدق شد اما علاقه‌ای به پسرخاله‌اش نداشت! سپس به واسطه رقابت‌های سیاسی وقت، صدراعظم مظفرالدین شاه یعنی میرزا علی‌خان امین‌الدوله، تصمیم گرفت جهت استحکام قدرت خود، با خاندان سلطنتی وصلت کند. برای همین فخرالدوله را برای پسر خود میرزا محسن‌خان معین‌الملک (امین‌الدوله) که دارای همسر بود، خواستگاری کرد! فخرالدوله که از نامزدی با پسر خاله راضی نبود، قبول کرد و به این وصلت تمایل نشان داد. میرزا محسن‌خان نیز همسر خود را طلاق داد و پس از برگزاری جشنی باشکوه، عروس و داماد به خانه مشترک رفتند. از آن پس بین خانواده سرورالسلطنه و خواهر وی نجم‌السلطنه [مادر محمد مصدق و بانی بیمارستان خیریه نجمیه]، اختلاف و کدورتی شکل گرفت که هیچ‌گاه از بین نرفت.

اشرف‌الملوک فخرالدوله، اعتقادات مذهبی محکمی داشت. او در عین حال که یک فعال اقتصادی بود و زمین‌های تحت کشت فراوانی داشت و از این راه ثروت بسیاری به‌دست می‌آورد، بسیار حسابگر بود. کلیه مخارج منزل، هزینه تحصیل و پوشاک فرزندانش، تحت ضابطه خاصی قرار داشت. او به هر یک از فرزندان و نوه‌هایش، مقرری ماهانه می‌داد. هر سه‌ماه یکبار، فرزندان او پس از امضا کردن صورتحساب، مقرری خود را دریافت می‌کردند. این امر تا پایان عمر فخرالدوله ادامه داشت. روایت شده در زمان حکومت زاهدی، هنگامی که علی امینی وزیر دارایی بود، برای اخذ مقرری ماهانه خود نزد مادرش رفته بود. او با کمال تعجب دید که بابت حقوق سه ماهه او، فقط دو هزار تومان واریز شده است! چون علت تقلیل آن را پرسید، فخرالدوله گفت: «یکی از مأمورین مالیه، شش هزار تومان از مستأجرین من رشوه گرفت، من آن پول را به مستأجر پس دادم و گفتم از حقوق تو که وزیر مالیه هستی کسر کنند، تا بهتر بفهمی مردم از دست مأمورین جنابعالی چه می‌کشند؟!». او همچنین زمین‌هایی را در لشت نشاء گیلان، برای فقرای منطقه وقف کرد.

فخرالدوله بعد از آشفتگی وضع ایران پس از جنگ جهانی اول و در بحبوحه اقدامات رضاخان، در حدود ۷۸ دختر و پسر یتیم را تحت پوشش قرار داد و به همراه جمعی از زنان خیر، دارالایتامی تأسیس کرد که بعدها، بنگاه خیریه بانوان نیکوکار نامیده شد. چند تن از بانوان منتسب به خاندان قاجار و دخترش معصومه، او را در اداره این بنگاه خیریه و نگهداری و تربیت کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست یاری می‌کردند. فخرالدوله در سال ۱۳۳۴ش درگذشت. او وصیت کرده بود برای او مجلس ختمی گرفته نشود و مخارج آن صرف امور خیریه گردد.(۸)

کلام آخر

به‌طورقطع موارد فوق، تنها نمونه‌های اندکی از انبوه بانوانی هستند که با وقف املاک و اموال خود، به‌دنبال دستگیری از فقرا و کمک به رشد دین و دنیای مردم بوده‌اند.

* **پی نوشت‌ها در گروه تاریخ موجود است.**

یادداشت‌های تاریخی

زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه

کتاب «یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه» نوشته دوستعلی‌خان معیرالممالک را انتشارات تاریخ ایران منتشر کرده است.

نویسنده در این کتاب، به بازنویسی گزیده‌ای از خاطرات خود و روایت‌های بازگوشده از دوستان خود درباره زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۴۷-۱۳۱۳ق) پرداخته است. در این خاطرات نکاتی در خور توجه درباره زنان و فرزندان شاه، چگونگی پرداخت حقوق همسران و بیان حال برخی از خواجه‌سرایان، آداب و تفریحات اهل اندرونی و... ارائه شده است. در پایان کتاب نیز تصاویری از زنان و فرزندان ناصرالدین‌شاه و برخی از عمارت‌ها و خانه‌های شاهی، ضمیمه شده است. امیر دوست‌محمدخان معیرالممالک (۱۲۳۳– ۱۲۹۱ ش) از رجال دوره قاجار و داماد ناصرالدین‌شاه بوده است. بزرگ‌ترین پسر دوستعلی‌خان، نظام‌الدوله و ماه‌نساءخانم دختر آقا علی‌اکبر پیشخدمت مازندرانی (پیشخدمت فتحعلی‌شاه) بود. او در ده‌سالگی با عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین‌شاه از تاج‌الدوله (دختر سیف‌الله‌میرزا، پسر فتحعلی‌شاه) ازدواج کرد. پس از وفات پدر چون رغبتی به کار دولتی نداشت، مشاغل پدری خاندان معیرالممالک را که از زمان شاه سلطان حسین صفوی، متصدی ضرابخانه بودند، نپذیرفت و از این‌رو ناصرالدین‌شاه، خزانه‌داری را به امین‌السلطان و عیارزنی مسکوکات را به امین‌الضرب واگذار کرد. پس از وفات مادرش بدون اجازه شاه به کربلا رفت و از راه فروش اموال پدری در کربلا مخارج سفر را به دست آورد و از راه مصر راهی اروپا شد. انتشارات ایران کتاب این اثر را در ۱۶۰صفحه منتشر کرده است.

تاریخ ناصری

جامعه و بازار در عصر ناصری

کتاب «جامعه و بازار در عصر ناصری» نوشته فیاض زاهد را انتشارات ایران‌کتاب در ۴۶۰صفحه منتشر کرده است. این کتاب تلاشی برای واکاوی و آشنایی بیشتر با بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار است. در این مطالعه محدود ضمن تمرکز بر وضعیت بازار و مولفه‌های اقتصادی، شیوه معاش و دادوستد اقتصادی، وضعیت آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی مرتبط، زنان و منزلت آنان، پول و مسائل مرتبط با آن، تجارت داخلی و خارجی، بیماری‌های واگیردار و... مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کتاب درصدد روشن‌تر نشان‌دادن وضعیتی است که اجداد ما در اوج دوران قاجار با آن مواجه بودند. این رویکرد حتی به ما در درک بهتر نهضت‌ها و پویش‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی کمک می‌کند. در این مطالعه تمرکز بیشتری بر بازار شده و نشان می‌دهد که این نهاد اقتصادی چه میزان تأثیر و کارآمدی بر مولفه‌های اجتماعی داشته است. بازار به‌عنوان مهم‌ترین رکن حیات شهری در دوره باستان و اسلامی عرصه حضور و کوشش یکی از عناصر متشکله اجتماع شهری، یعنی بازاریان اعم از «تجار عمده‌فروش و اصناف خرده‌فروش» بوده است. چنان که می‌دانیم بازار انبار غله، کارگاه، محل کسب‌وکار، بانک، هسته آموزشی و دینی جامعه بود.

تارخ ایران

باستان‌شناسی خلیج‌فارس

کتاب «بررسی باستان‌شناسی ساحل خلیج‌فارس» نوشته حمید زارعی، استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دربردارنده مطالعاتی علمی و میدانی مرتبط با بندرهای نای‌بند، عسلویه، سیراف، کنگان و دَیّر است. این کتاب از سوی انتشارات گنجینه منتشر شده است. این کتاب در چهار فصل به معرفی و بررسی باستان‌شناختی مناطق یادشده می‌پردازد و مواد فرهنگی و تاریخی به‌دست آمده را شناسایی و بررسی می‌کند. این اثر آگاهی‌های جامعی را در اختیار خواننده علاقه‌مند به چنین مباحثی قرار می‌دهد. برای پی بردن به اهمیت علمی و تحقیقی کتاب «بررسی باستان‌شناسی ساحل خلیج‌فارس» کافی است اشاره کنیم که تا پیش از چاپ این اثر، آگاهی‌ها درباره باستان‌شناسی بنادر عسلویه، سیراف، کنگان و دَیّر در ساحل خلیج‌فارس محدود به مطالعاتی بود که در سال ۱۳۱۱شمسی توسط «سر اورل اشتاین»، باستان‌شناس انگلیسی، انجام گرفته بود. حمید زارعی، نویسنده کتاب، در مقدمه اثر خود اشاره می‌کند که اشتاین در آن سال ضمن بررسی بخش‌هایی از جنوب شرقی ایران موفق شده بود بقایای باستانی بندر سیراف را شناسایی و از محوطه‌هایی در آن محدوده، بازدید کند. هرچند پس از مطالعات اشتاین کاوش‌های باستان‌شناسی کم‌شماری در آن گستره انجام گرفت اما تحقیق کنونی (کتاب «بررسی باستان‌شناسی ساحل خلیج‌فارس») نخستین کار علمی بعد از انقلاب اسلامی است. حمید زارعی، نویسنده و محقق کتاب، از صلاحیت علمی برای انجام چنین کار ارزنده و مهمی برخوردار است. او دارای فوق‌دکتری تخصصی باستان‌شناسی خلیج‌فارس و جزو انگشت‌شمار باستان‌شناسانی است که حوزه مطالعاتی خود را به خلیج‌فارس اختصاص داده است.